

# و تاریخ

اعظم دانش اعتمادی

## اشاره

قرآن در آیات متعدد خود از انسان و زندگی او در مسیر زمان که موضوع اصلی تاریخ (انسان + زمان) است، سخن گفته و جالب این که به این موضوع فراوان پرداخته است.

از زیبایی‌ها و شاهکارهای قرآن همین بس که طرح و قالبی بسیار هنرمندانه، جذاب، دل‌نشین و تأثیرگذار بر عواطف و وجدان‌ها، یعنی «قصه» و «داستان» را انتخاب می‌کند تا به بهترین شیوه و ابزار به هدف‌های تربیتی و اصلاحی خود برسد. قرآن با بازگویی وقایع تاریخی

به شکل قصه و حدیث (نباء)، انسان یعنی اصلی‌ترین موضوع خود را، به تدبیر و تفکر وا می‌دارد و عطش او را برای جست‌وجوی حقیقت افزون می‌سازد. خلاصه‌ای از تجربیات دیگران را در اختیار او قرار می‌دهد تا پرده‌های غفلت و سستی را از دیدگان خود کنار زند و قدم‌های خود را آگاهانه به سمت یافتن سرنوشتی بهتر، آن‌چنان که مورد رضای خداست، بردارد. مهم این است که قصه‌های قرآن و پیام نهفته در آن، با فطرت و هم‌چنین عقل هماهنگی و سنخیت دارند؛ چرا که میان موضوع این داستان‌ها و انسان رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد که این رابطه را خالق انسان و صاحب قرآن ایجاد کرده و به خوبی به این امر واقف است که این دو می‌توانند بر یکدیگر اثرگذار باشند!

● «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المجرمین» [نحل/۶۹].

● «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بداء الخلق» [عنکبوت/۲۰].

با کمی تأمل در این آیات به نکات اساسی زیر می‌توان پی برد:  
۱. در این قصص و مطالعه‌ی تاریخ، پند و اندرز فراوانی برای اهل علم و صاحبان خرد وجود دارد.  
۲. این قصه‌ها هرگز خیالی و دروغ نیستند و از مسیر حقیقت و راستی دور نشده‌اند.

۳. بیان این داستان‌ها برای هدایت است و هم‌چنین مایه‌ی رحمت و بشارت اهل ایمان و یقین است.

۴. هر سرنوشتی که انسان پیدا می‌کند، نتیجه‌ی آن است که او کسب کرده و انجام داده است.

۵. با توجه به کلمات سیروا، انظروا، کیف و عاقبه و ارتباطی که بین آن‌ها وجود دارد، قرآن با عرضی دید تأملی و نیز نقادانه، انسان را به تفکر درباره‌ی علل حوادث و رویدادها، و عاقبت و نهایت تاریخ و تمدن‌ها تشویق می‌کند. هشدار می‌دهد که بنگرید چگونه سقوط کردند و نابود شدند. در پی این نگرستن، قوانین و سنی که تمدن‌ها را به وجود می‌آورند، آن‌ها را به سوی رشد و تعالی پیش می‌برند و سپس به نیستی و نابودی می‌کشانند، شناخته خواهند شد.

با این توضیح مشخص می‌شود که بر تاریخ و جوامع بشری قوانینی حکم‌فرماست و با مطالعه‌ی تاریخ باید به شناسایی آن‌ها پرداخت. قرآن بسیاری از این سنن الهی حاکم بر جوامع بشری را در لابه‌لای داستان‌های تاریخی، سرگذشت تمدن‌های پیشین و قصص انبیا بیان می‌کند.

### حاکمیت سنن و قوانین الهی بر تاریخ جوامع بشری

این حقیقت که انسان به سوی هدفی معین و مشخص گام برمی‌دارد و صحنه‌ی تاریخ به وسیله‌ی قوانین و سنن مربوط به خود آباد و سرسبز است، به گونه‌ای روشن و کاملاً واضح در قرآن ملاحظه می‌شود. قرآن به سبک و صورت‌های متفاوت در خلال بسیاری از آیات این حقیقت را بیان می‌دارد و در آیاتی به‌طور کلی و در برخی با ارائه‌ی مصادیق و نمونه‌هایی، به این امر پرداخته است. نه تنها با تأکید، بر اصل حاکمیت سنن الهی در هستی و جوامع انسانی صحنه می‌گذارد، بلکه قائل به تبدیل و تحویل در آن نیز نیست: «فلن تجد لسنه الله تبديلا و لن تجد لسنه الله تحويلا» [فاطر/۴۳؛ ۱۳۶۹: ۸۳].

نیز در سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۲۸ بیان می‌دارد: «سنت الهی در میان آنان که در گذشتند همین است و فرمان خدا همگی نافذ و حتمی خواهد بود.» از ویژگی‌های سنن تاریخی همین بس که «خدایی» هستند و

نگرش قرآن به گذشته‌ی انسان که در قالب قصص مطرح شده است، نگرش تاریخی - تمدنی است. قرآن با بیان نکات تاریخی، ترغیب به مطالعه و تفحص در تاریخ، و توصیه به سیر و سیاحت مراکز تمدنی می‌خواهد به انسان دید انتقادی و پرسشگری بدهد تا از نتایجی که در سایه‌ی تفکر و تعمق به‌دست می‌آورد و با کشف قوانین و سنن تاریخی، در جهت اصلاح امور خود و جامعه‌اش بکوشد.

علل پرداختن به زندگی گذشتگان (تاریخ) در قالب قصه از زبان قرآن

قرآن از تاریخ به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف تربیتی و معنوی خود، آن هم به شکل قصه سود برده است که گاه با جمله‌های کوتاه، دنیایی از معانی را عرضه می‌کند. در برخی از آیات نیز به وضوح سخن از هدف بیان قصه‌ها آمده است:

● «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ما کان حدیثاً یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون» [یوسف/۱۱۱]: همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود. این قرآن نه سخنی است که فراتوان یافت، لیکن کتب آسمانی پیش از خود را هم تصدیق کرده و هر چیزی را که راجع به سعادت دنیا و آخرت است، مفصل بیان می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و سعادت و رحمت خواهد بود.

● «فاقصص القصص لعلهم یتفکرون» [اعراف/۱۷۶].

● «و کلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک و جاءک فی هذه الحق و موعظه و ذکری للمؤمنین» [هود/۱۲۰]: این همه اخبار پیامبران را بر تو حکایت می‌کنیم تا قلبت را بر آن استوار سازیم و در آن حق و موعظه و تذکر برای مؤمنان به سوی تو آمده است.

● «هدی و رحمه و بشری للمسلمین» [نحل/۸۹].

● «اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات و الارض» [روم/۸].

● «و یتفکرون فی خلق السموات و الارض» [آل عمران/۱۹۱].

● «لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لا یظلمون» [جاثیه/۲۲].

● «فاذاقها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا یصنعون» [نحل/۱۱۲].

● «افلم یرووا فی الارض فیظنوا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم» [غافر/۸۲ و فاطر/۴۴].

● «قل سیروا فی الارض ثم انظروا کیف کان عاقبه المکذبین» [انعام/۱۱ و نحل/۳۶].

از اراده و تصمیم او نشئت می‌گیرند. خداوند از رهگذر همین سنت‌ها و قوانین، قدرت، حکمت و تدبیر خود را در جهان هستی اعمال می‌کند. در این نوشته به اختصار به برخی از سنن تاریخی قرآن اشاره شده است.

### الف) گردشگری مقدمه‌ی کشف قوانین حاکم بر تاریخ

از ویژگی‌های بارز قرآن توصیه به امر گردشگری و ترغیب به مطالعه و اندیشیدن درباره‌ی حوادث و رخدادهای تاریخی است که نتیجه‌ی آن نگاه نقادانه به زندگی گذشتگان، و شناخت قوانین و سنت‌هایی است که بر تاریخ حاکمیت دارند:

● پیش از شما آیین‌ها و سنت‌هایی بوده‌اند. پس روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است [آل عمران/۱۳۷].

● چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک کشانیدیم. اینک آن شهرها از بنیاد ویران شده‌اند. چه چاه‌ها و قنات‌های آب که معطل ماندند و چه قصرهای عالی که بی‌صاحب شدند. آیا کافران روی زمین به سیر نمی‌روند تا دل‌هایشان بینش و هوش یابد یا گوش‌هایشان به حقیقت شنوا شود؟ چه دیدگان کور نمی‌شوند، ولی دل‌هایی که درون سینه‌ها هستند، کور می‌شوند [حج/۴۶-۴۵].

● چه بسا اقوامی پیش از اینان و پرصلابت‌تر از ایشان که نابودشان کردیم. پس در شهرها کاوش کردند که آیا راه نجات هست. به راستی که در این امر یادآوری وجود دارد، برای هرکس که صاحب‌دل است یا گوش فرا داشته و شاهد باشد [ق/۳۶-۳۷].

این همه اصرار و تأکید قرآن بر مطالعه‌ی تاریخ بدون شک به خاطر آن است که انسان را از سستی و غفلت به در آورد و چشمان او را بر قوانین حتمی و قطعی تاریخ بگشاید تا مغلوب و محکوم آن‌ها نشود.

### ب) مرگ و زندگی جوامع «سنت نداوله»

قرآن کریم در آیات متعددی خاطر نشان می‌سازد، برای هر امتی دوران مشخصی وجود دارد که چون آن دوران به سر رسد، آن جامعه از بین می‌رود:

● «و ما اهلکنا من قریه الاولها کتاب معلوم ما تسبق من امه اجلها و ما یستأخرون» [حجر/۵]: و ما هیچ آبادی را نابود نکردیم، مگر این که برای آن برنامه‌ای معلوم بود. وقت معین هیچ امتی جلو نمی‌افتد و نمی‌تواند آن را به تأخیر بیندازند.

● «لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لا یستأخرون ساعه و لا یستقدمون» [اعراف/۳۴، یونس/۱۹].

● «و ان من قریه الا و نحن مهلکوها قبل یوم القیامه او معذبوها عذاباً شدیداً کان ذلک فی کتاب مسطوراً» [اسراء/۵۸]: هیچ آبادی نیست مگر این که ما آن را پیش از روز قیامت نابود

می‌سازیم و یا گرفتار عذابی شدید می‌کنیم. این مطلبی است که در کتاب نوشته شده است.

● «اولم ینظروا فی ملکوت السموات والارض... ان یکون قد اقترب اجلهم فبأی حدیث بعده یؤمنون» [اعراف/۱۸۵]: آیا در حقیقت آسمان‌ها و زمین و هر چه که خدا آفریده، ننگریسته‌اند؟... شاید اجل موعده‌شان نزدیک شده باشد. پس به چه سخنی غیر از این ایمان می‌آورند؟

مرگ و زندگی، و شکست و پیروزی جوامع و تمدن‌ها یکی از سنت‌های مهم و تغییرناپذیر است. طبق این سنت، پیروزی و موفقیت در میان اقوام و ملل گوناگون دست‌به‌دست می‌گردد و هر زمانی نوبت به گروهی می‌رسد. قرآن از این مطلب به‌عنوان «تک الایام نداولها بین الناس» یاد می‌کند و برای آن فواید و نتایجی ذکر می‌کند که می‌تواند بسیار سودمند باشند

● سست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید، اگر ایمان داشته باشید. اگر شما را جراحی رسید، به آن جمعیت نیز جراحی مانند آن رسیده است. و ما این روزها (شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند افراد با ایمان را مشخص کند و از میان شما گواهانی برگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (کافران را به تدریج نابود می‌سازد) [آل عمران/۱۴۱-۱۳۹].

این آیه به وضوح علل سنت «نداوله» را بیان می‌کند که با این امر، خداوند می‌خواهد اهل ایمان شناخته شوند و گواهان و شاهدانی که اندیشه و عمل ایشان هنگام شداید و سختی‌ها می‌تواند الگویی برای دیگران باشد، مشخص گردند. هم‌چنین می‌توان خالص کردن افراد با ایمان در سختی‌های شکست‌ها و ناکامی‌ها و نابودسازی تدریجی کافران را از دیگر نتایج این سنت الهی دانست. بی‌شک مرگ و نابودی جوامع از دیدگاه قرآن به دنبال فراهم شدن علل و عواملی و با انگیزه‌هایی معین رخ می‌دهد که شناخت آن‌ها برای ما به‌خصوص در عصر حاضر ضروری می‌نماید. یکی از این عوامل ظلم و فساد در جامعه و سکوت در برابر آن است.

تاریخ به ما آموخته است که ظلم و فساد عامل مهمی در رکود و نابودی تمدن‌ها بوده است؛ به‌ویژه اگر حاکمان و رهبران به آن آلوده شوند و مردم در برابر آن مهر خاموشی بر لب زنند. در این صورت به‌طور قطع، آن جامعه راه زوال را خواهد پیمود:

● «و کم قصصنا من قریه کانت ظالمه و انشانا بعدها قوماً آخرین» [انبیاء/۱۱]: چه بسیار مردم مقتدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری، آن‌ها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آن‌ها آفریدیم.

● آن‌ها (عاد و ثمود و فرعون) کسانی بودند که در شهرها طغیان

از اراده و تصمیم او نشئت می‌گیرند. خداوند از رهگذر همین سنت‌ها و قوانین، قدرت، حکمت و تدبیر خود را در جهان هستی اعمال می‌کند. در این نوشته به اختصار به برخی از سنن تاریخی قرآن اشاره شده است.

### الف) گردشگری مقدمه‌ی کشف قوانین حاکم بر تاریخ

از ویژگی‌های بارز قرآن توصیه به امر گردشگری و ترغیب به مطالعه و اندیشیدن درباره‌ی حوادث و رخدادهای تاریخی است که نتیجه‌ی آن نگاه نقادانه به زندگی گذشتگان، و شناخت قوانین و سنت‌هایی است که بر تاریخ حاکمیت دارند:

● پیش از شما آیین‌ها و سنت‌هایی بوده‌اند. پس روی زمین بگردید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است [آل عمران/۱۳۷].

● چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند، به خاک هلاک کشانیدیم. اینک آن شهرها از بنیاد ویران شده‌اند. چه چاه‌ها و قنات‌های آب که معطل ماندند و چه قصرهای عالی که بی‌صاحب شدند. آیا کافران روی زمین به سیر نمی‌روند تا دل‌هایشان بینش و هوش یابد یا گوش‌هایشان به حقیقت شنوا شود؟ چه دیدگان کور نمی‌شوند، ولی دل‌هایی که درون سینه‌ها هستند، کور می‌شوند [حج/۴۶-۴۵].

● چه بسا اقوامی پیش از اینان و برصلابت‌تر از ایشان که نابودشان کردیم. پس در شهرها کاوش کردند که آیا راه نجات هست. به راستی که در این امر یادآوری وجود دارد، برای هرکس که صاحب‌دل است یا گوش فرا داشته و شاهد باشد [ق/۳۷-۳۶].

این همه اصرار و تأکید قرآن بر مطالعه‌ی تاریخ بدون شک به خاطر آن است که انسان را از سستی و غفلت به در آورد و چشمان او را بر قوانین حتمی و قطعی تاریخ بگشاید تا مغلوب و محکوم آن‌ها نشود.

### ب) مرگ و زندگی جوامع «سنت نداوله»

قرآن کریم در آیات متعددی خاطرنشان می‌سازد، برای هر امتی دوران مشخصی وجود دارد که چون آن دوران به سر رسد، آن جامعه از بین می‌رود:

● «و ما اهلکنما من قریه الاولها کتاب معلوم ما تسبق من امه اجلها و ما یستأخرون» [حجر/۵]: و ما هیچ آبادی را نابود نکردیم، مگر این‌که برای آن برنامه‌ای معلوم بود. وقت معین هیچ امتی جلو نمی‌افتد و نمی‌توانند آن را به تأخیر بیندازند.

● «لکل امه اجل فاذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعه و لا یستقدمون» [اعراف/۳۴ و یونس/۱۹].

● «و ان من قریه الا و نحن مهلكوها قبل یوم القیامه او معذبوها عذاباً شدیداً کان ذلک فی کتاب مسطوراً» [اسراء/۵۸]: هیچ آبادی نیست مگر این‌که ما آن را پیش از روز قیامت نابود

می‌سازیم و یا گرفتار عذابی شدید می‌کنیم. این مطلبی است که در کتاب نوشته شده است.

● «اولم یظنوا فی ملکوت السموات والارض... ان یكون قد اقترب اجلهم فبأی حدیث بعده یؤمنون» [اعراف/۱۸۵]: آیا در حقیقت آسمان‌ها و زمین و هر چه که خدا آفریده، ننگریسته‌اند؟... شاید اجل موعده‌شان نزدیک شده باشد. پس به چه سخنی غیر از این ایمان می‌آورند؟

مرگ و زندگی، و شکست و پیروزی جوامع و تمدن‌ها یکی از سنت‌های مهم و تغییرناپذیر است. طبق این سنت، پیروزی و موفقیت در میان اقوام و ملل گوناگون دست‌به‌دست می‌گردد و هر زمانی نوبت به گروهی می‌رسد. قرآن از این مطلب به‌عنوان «تلك الايام نداولها بین الناس» یاد می‌کند و برای آن فواید و نتایجی ذکر می‌کند که می‌توانند بسیار سودمند باشند

● سست نشوید و غمگین نباشید که شما برترید، اگر ایمان داشته باشید. اگر شما را جراحتی رسید، به آن جمعیت نیز جراحتی مانند آن رسیده است. و ما این روزها (شکست و پیروزی) را در میان مردم می‌گردانیم تا خداوند افراد با ایمان را مشخص کند و از میان شما گواهانی برگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی‌دارد و تا خداوند افراد با ایمان را خالص گرداند (کافران را به تدریج نابود می‌سازد) [آل عمران/۱۴۱-۱۳۹].

این آیه به وضوح علل سنت «نداوله» را بیان می‌کند که با این امر، خداوند می‌خواهد اهل ایمان شناخته شوند و گواهان و شاهدانی که اندیشه و عمل ایشان هنگام شداید و سختی‌ها می‌تواند الگویی برای دیگران باشد، مشخص گردند. هم‌چنین می‌توان خالص کردن افراد با ایمان در سختی‌های شکست‌ها و ناکامی‌ها و نابودسازی تدریجی کافران را از دیگر نتایج این سنت الهی دانست. بی‌شک مرگ و نابودی جوامع از دیدگاه قرآن به دنبال فراهم شدن علل و عواملی و با انگیزه‌هایی معین رخ می‌دهد که شناخت آن‌ها برای ما به‌خصوص در عصر حاضر ضروری می‌نماید. یکی از این عوامل ظلم و فساد در جامعه و سکوت در برابر آن است.

تاریخ به ما آموخته است که ظلم و فساد عامل مهمی در رکود و نابودی تمدن‌ها بوده است؛ به‌ویژه اگر حاکمان و رهبران به آن آلوده شوند و مردم در برابر آن مهر خاموشی بر لب زنند. در این صورت به‌طور قطع، آن جامعه راه زوال را خواهد پیمود:

● «و کم قصصنا من قریه کانت ظالمه و انشانا بعدها قوماً آخرین» [انبیاء/۱۱]: چه بسیار مردم مقتدری در شهرها و دیارها بودند که ما به جرم ظلم و ستمکاری، آن‌ها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به‌جای آن‌ها آفریدیم.

● آن‌ها (عاد و ثمود و فرعون) کسانی بودند که در شهرها طفیان



**گناه، فساد و بلا:** نزد ما مسلمانان و نیز بسیاری از ادیان و مذاهب، پدیده‌ها و حوادث جهان معنادار هستند یا به عنوان امتحان و آزمایش و یا به عنوان نتیجه‌ی اعمال و گناهان و یا سنجیدن درجه‌ی ایمان و استقامت ماست. برخی از بلاها و مصایب ناشی از گناه، نه تنها دامن شخص را می‌گیرند، بلکه کل جامعه‌ی را که نسبت به گناه گنهکاران بی‌تفاوت باشد، به بلا دچار می‌سازند: «اتقوا فتنه لا تصیب الذین ظلموا منکم خاصة و اعلموا ان الله شدید العقاب» [انفال/۲۵].

**علامه طباطبایی** ذیل این آیه می‌آورد: «فتنه‌ی مذکور در آیه هرچند مختص به ظالمان و گناهکاران است، اما آثار آن، همه‌ی امت را فرا می‌گیرد» [طباطبایی، ۱۳۳۷، ج ۹: ۵۱]. این نکته را باید اضافه کرد که قاعده‌ی «نزول بلا یا بازتاب گناه» حالت کلیت ندارد و برای همه‌ی اشخاص و در همه‌ی موارد قابل انطباق نیست. چرا که **امام علی (ع)** می‌فرماید: «بلا برای ظالمان ادب است، برای مؤمنان امتحان و برای انبیا درجه و برای اولیاءالله کرامت». [مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۶: ۲۳۵].

هر که در این بزم مقرب‌تر است

جام بلا بیشترش می‌دهند

ولی همه‌ی این‌ها می‌تواند وسیله‌ای برای امتحان ما باشد.

**اموال و اولاد:** بدانید که اموال و اولاد وسیله‌ی امتحان شما هستند [انفال/۲۸].

**ترس، گرسنگی و نقص اموال:** «ولنبلوکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين» [بقره/۱۵۵].

**خیر و شر:** «نبلوکم بالخییر و الشر فتنه» [انبیاء/۳۵].

**صبر:** البته ما شما را در مقام امتحان می‌آوریم تا آن‌که در راه خدا مجاهده و کوشش دارد و بر رنج آن صبر می‌کند، مقامش را معلوم سازیم [محمد/۳۱].

### د) تجمل‌گرایی، مصرف‌زدگی و کفران نعمت

به تجربه‌ی تاریخ، یکی از آفت‌های بزرگ و خطرناک تمدن‌های بشری، تقسیم جوامع به دو طبقه‌ی ثروتمند و اشرافی و طبقه‌ی محروم است؛ مخصوصاً اگر طبقه‌ی اول به غفلت و سستی روی آورد، به بی‌دردی و بی‌تفاوتی در قبال جامعه‌ی نیازمند خود مبتلا شود، و نهایت سعی و تلاش خود را به کار گیرد که چگونه ثروتش را در راه کام‌جویی شخصی خود به کار برد. اساساً مال و ثروت می‌تواند انسان‌های غافل از یاد خدا و بی‌اعتنا به ارزش‌های معنوی را به سرکشی و فساد بکشاند و به بیماری جدی برای جامعه تبدیل شود؛ به طوری که آن را به سمت ضعف و ناتوانی سوق دهد. این مهم در قالب آیات بسیار به‌عنوان نکته‌ی تربیتی و عبرت‌آموز بیان شده است که می‌تواند زنگ خطر را

برای جامعه‌ی مصرف‌گرای ما به صدا درآورد:

• «و ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه...» [نحل/۱۱۲].

خداوند مثل می‌زند آبادی‌ای را که آسوده و آرام بود و روزی آن به فراوانی از هر طرف می‌رسید، اما به نعمت‌های خدا کفر ورزید. پس خداوند به‌خاطر کارهایی که انجام داد، تلخی گرسنگی و ترس را به آن چشانید.

• و کذلک نجزی من أسرف... [طه/۱۲۷]: و چنین مجازات می‌کنیم کسی را که اسراف کرد و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد.

• «و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفها ففسقوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا» [اسراء/۱۶ و انعام/۴۴]: هنگامی که می‌خواهیم یک آبادی را هلاک کنیم، به متعلمان آن شهر امر می‌کنیم. پس آنان در آن آبادی فسق می‌کنند. آن‌جا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت و آن‌ها همه را به جرم بدکاری هلاک می‌سازیم.

در آیه‌ی ۷ سوره‌ی علق، قرآن به‌عنوان نکته‌ای هشدار دهنده می‌فرماید: «ان الانسان لیطغی ان راه استغنی»: البته انسان طغیان می‌کند، وقتی که خود را بی‌نیاز می‌بیند. راه حل و درمان طغیان انسان در برابر برخوردارها را، ایمان قلبی به خدا می‌داند و توصیه می‌کند: «بخورید از پاکیزه‌هایی که روزی‌تان دادیم و در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما فرود می‌آید. و هرکس غضب من بر او فرود آمد، هلاک شد» [طه/۸۱].

بخورید و بیاشامید از رزق خداوند و در زمین کوشش در فساد نکنید. تمام این آیات از رابطه‌ای معین، میان نابودی جامعه با ظلم و فساد و تجمل‌گرایی حکایت می‌کنند که رابطه‌ای فراگیر در طول تاریخ و سنتی از سنن و قوانین تاریخ را تشکیل می‌دهد.

### ه) نابودی جوامع با اختلاف و تفرقه، رشد آنان با ایمان و اتحاد

وحدت رکن مهم پایداری و پویایی جامعه است و هر چه وحدت بر اساس بنیان‌های محکم و اصولی حاصل شود، آن جامعه در به خدمت گرفتن نیروهای توانمند و امکانات موجود و جهت‌دهی به آنان موفق‌تر خواهد بود و راه تعالی را در عرصه‌های مادی و معنوی با موفقیت بیشتری طی می‌کند. قرآن با توجه دادن مسلمان به این حقیقت، ضمن فراخوانی آن‌ها به وحدت و یگانگی، آن‌ها را به شدت از اختلاف و تفرقه نهی می‌کند و آن را عامل مهم در از هم پاشیدگی جامعه و به هدر رفتن استعدادها و توانایی‌های آن‌ها می‌داند:

• «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تنزعوا تمسککم و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين» [انفال/۱۶]: از خدا و پیامبرش

اطاعت کنید و با یکدیگر ستیز نکنید که از هم می‌پاشید و نیروی شما از بین می‌رود.

● «واعتصموا بحبل... جمعاً و لا تفرقوا» [آل عمران/۱۰۳]: مانند کسانی نباشید که متفرق شدند و پس از آنکه برایشان نشانه‌هایی آمد، اختلاف کردند و برای آن‌ها عذابی بزرگ است [آل عمران/۱۰۵].

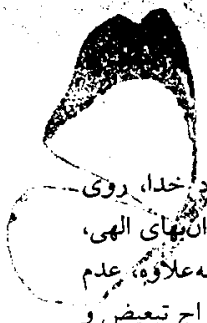
● از مشرکان نباشید، از آن‌هایی که دین خود را دچار تفرقه ساختند و به گروه‌های متفاوتی تقسیم شدند و هر حزبی به آنچه که نزد آن است، شادمان است [روم/۳۲].

پیدایش و سپس نابودی تمدن‌ها در طول تاریخ که بر اساس سنت‌های الهی بوده است، این نکته را به عنوان تجربه‌ی ارزشمند به ما می‌آموزد که ایمان به خدا و ارزش‌های آسمانی در شکل‌گیری جوامع سعادت‌مند و حرکت آفرینی نیروهای مؤمن به سوی حکومتی بر اساس حق و عدل، نقش حیاتی و تعیین‌کننده داشته است. جوامعی که بر اساس ایمان و تعالیم پیامبران استوار شده‌اند، همواره سعادت را به معنای واقعی درک کرده‌اند و در بدترین شرایط احساس خوشبختی کرده‌اند. قرآن این موضوع را به‌عنوان یکی از سنن الهی و قوانین حاکم بر تاریخ مطرح می‌کند که پیروزی و سعادت، آرامش و امنیت واقعی مخصوص جوامع مؤمن است: «ان لنصر رسولنا والذین آمنوا فی الحیاه الدنیا و یوم یقوم الاشهد» [مؤمن/۵۱]: ما همواره پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، یاری می‌کنیم؛ هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان برخیزند.

## نتیجه

مطالعه‌ی تاریخ و سرگذشت تمدن‌های گذشته و دقت در آیات فوق‌ما را به این نتیجه می‌رساند که بین رشد و زوال تمدن‌ها، و سعادت و شقاوت آن‌ها با پای‌بندی به قوانین و سنن الهی که بر کل تاریخ حاکمیت دارد، پیوند و ارتباط مستقیم وجود دارد. لذا لزوم تأمل و تدبر در آیات تاریخی قرآن مشخص‌تر می‌شود. بر کل جوامع بشری از ابتدا تا کنون، سنن و قوانینی حاکمیت دارند که منشأ خود را از اراده‌ی الهی می‌گیرند و محرکی برای حرکت تاریخ هستند. قرآن هرگونه تغییر و تحولی در جوامع بشری را به سنت‌های خدایی نسبت می‌دهد و هیچ‌گونه تحولی در خارج این سنت‌ها اتفاق نمی‌افتد. و نیز خاطر نشان می‌سازد، سنت‌های الهی تغییرناپذیر و تخلف‌ناپذیرند و بر کل تاریخ بشر در گذشته، حال و آینده حاکمیت دارند.

سنت‌های الهی یک سلسله قضایای شرطی هستند. مثلاً وجود ظلم و فساد، رفاه زندگی و تجمل‌گرایی در یک جامعه، به‌ویژه در میان دولت مردان، زمینه‌های سقوط آن را فراهم می‌کند. یا



زیر پا گذاشتن ارزش‌های معنوی، غفلت از یاد خدا، روی آوردن به گناه و پشت پا زدن به تعالیم هدایت‌گران‌بهای الهی، هلاکت‌نهایی آن ملت را در پی خواهد داشت. به‌علاوه، عدم استفاده‌ی بهینه از امکانات و توانایی‌های جامعه، رواج تبعیض و بی‌عدالتی، شایعه‌پراکنی و دروغ، تفرقه و نفاق، یأس و نومیدی، ندادن حق مستضعفان، نداشتن توجه شایسته به مقام علم و علما، غرور و تکبر و کفران نعمات الهی، به تصریح قرآن قطعاً سبب فنا و نابودی خواهد شد.

بنابراین قرآن کریم تاریخ را نه برای تفتن و سرگرمی، بلکه به‌عنوان الگویی صحیح و واقعی، برای حرکت انسان عصر حاضر به سوی آینده‌ای درخشان و بهتر مطرح می‌کند. هم‌چنین از این طریق، قوانین و سنت‌های تغییرناپذیر الهی را که بر کل جهان هستی و در طول زمان‌ها حاکم هستند، گوشزد می‌کند تا انسان راه‌های پیروزی و رسیدن به زندگی سعادت‌مند و خداپسند را بیابد و از مسائلی چون ظلم، تبعیض، فساد، مصرف‌گرایی، تجمل‌زدگی، گناه، دروغ، شایعه و... که طبق سنت الهی موجب سستی و تباهی خواهند بود، بپرهیزد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. در قرآن بیش از ۲۶۰ داستان وجود دارد که بیانگر تأکید خداوند بر هدایت انسان با مؤثرترین ابزار است.
۲. از آیات مذکور تنها تعداد معدودی در این موضوع هستند.
۳. امام صادق(ع) می‌فرماید: خداوند دو ملک را مأمور ویرانی و نابودی اهل آن کرد. وقتی به آن‌جا رسیدند، مردی را مشاهده کردند که به درگاه الهی دعا و تضرع می‌کرد. یکی از فرشتگان در این مورد از خداوند سؤال کرد و حق تعالی فرمود: مأموریت خود را انجام بده، زیرا این مرد برای یک بار هم در مقابل گناه گنهکاران آن آبادی برای رضای من خشمگین نشد [وسائل الشیعه، ج ۱۱، ب ۶، حدیث ۲].

## منابع

۱. جعفری، یعقوب. بینش تاریخی قرآن. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۶۶.
۲. صدر، سید محمدباقر. سنت‌های اجتماعی و فلسفه‌ی تاریخ در مکتب قرآن. ترجمه‌ی حسین منوچهری. رجا. تهران. ۱۳۶۹.
۳. طباطبایی، محمدحسین. تفسیر المیزان (ج ۹). دارالعلم. قم. ۱۳۳۷.
۴. کربلایی یازکی، علی. «فلسفه و ابتلا و امتحان الهی در آیات و روایات». گلستان قرآن. سال سوم. شماره‌ی ۵۵.
۵. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار (ج ۶). مؤسسه الوفاء. ۱۴۰۲ هـ.ق.